

تنهای تنها آنچه هست، «وجود» است و نه ماهیت

شماره پرسش: ۱۶۹۸۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۵/۵/۱۴ ۰۶:۵۴:۰۵

متن پرسش

با سلام: در بحث اصالت وجود گفته می‌شود از هر شیئی دو مفهوم وجود و ماهیت به ذهن می‌آید که آنچه عینیت و تحقق دارد مصداق وجود است و ماهیت اعتباری و صرفاً وجود ذهنی دارد. حال سوال اینست از کجا که آن حقیقت خارجی و صاحب آثار مصداق وجود است شاید وجود هم مثل ماهیت اعتباری است و عینیت را شیئی ثالثی تشکیل می‌دهد که نه وجود است و نه ماهیت بلکه وجود مفهومی است که از تحقق آن عینیت خبر می‌دهد و ماهیت از چیستی آن ولی آن واقعیت خارجی که مثلاً ب است چیز دیگری است که به ذهن نمی‌آید و توسط مفهوم وجود و ماهیت شناسایی می‌شود و دلایل اصالت وجود هم این فرض سوم را رد نمی‌کند؟ البته سفسطه هم پیش نمی‌آید زیرا شیئی خارجی توسط ماهیت و وجود شناسایی می‌شود. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی بحث را با «وجود» به میان آوریم در مقابل آن جز عدم نمی‌ماند و از این جهت، «وجود» است که همواره در صحنه است و نه «عدم». در این دستگاه است که می‌گوییم آنچه غیر از «وجود» می‌شناسیم، چیزی جز همان «وجود» نیست با تعینات مختلف که به آنها «ماهیات» گویند به آن معنا که «ماهیات» حدّ وجودند و لذا تنهای تنها آنچه هست، «وجود» است و نه ماهیت اصالت می‌یابد و نه چیزی که بین ماهیت و وجود باشد. موفق باشید